ایسنا

مشاهدات میدانی خبرنگار «ایران» از وضعیت داروخانه‌ها و سرگردانی شهروندان

دارو ندار داروخانه

محمد معصومیان
گزارش نویس

پیرمرد سه روز است به‌دنبال داروهای ضد کرونا برای همسرش می‌گردد اما هیچ جا پیدا نمی‌کند. به قول خودش هرچه داروخانه در تهران بوده چرخیده و حالا به داروخانه ۱۳ آبان در خیابان کریم خان رسیده است. از شهر ری شروع کرده و محله‌ها را یکی یکی بالا آمده تا برسد به اینجا؛ با ماسکی که معلوم است چند روزی عوض نشده: «۵ روز پیش همسرم در بیمارستان فیروزگر بستری شد و کار من هم شده از این داروخانه به آن یکی رفتن و نه شنیدن. خسته شده‌ام، کاش پول داشتم ماشین دربستی می‌گرفتم اما واقعاً با این خرج و مخارج نمی‌شود.» اطرافش پیر و جوان و زن و مرد با نسخه‌هایی نیمه مچاله در صفی نامنظم یا نشسته و وا رفته روی صندلی‌های گوشه خیابان منتظرند نوبت‌شان شود البته اگر دارویی در کار باشد.

با شروع پیک جدید و همه‌گیری ویروس دلتای کرونا، داروخانه‌های تهران با صف‌های عریض و طویل همراهان بیماران روبه‌رو شده است. کمبود سرم و دارو در کنار نبود تخت بیمارستان برای همراهانی که قلبشان مملو از استرس و درد است مصیبتی جدید به همراه آورده است ؛مردم کلافه و خسته داروخانه‌ها را یکی یکی پشت سر می‌گذارند یا در صف‌های بلند از صبح تا ظهر منتظر می‌مانند تا داروی رمدسیویر یا فاویپیراویر و... پیدا کنند. بعضی هم خسته از این صف‌ها تن به بازار آزاد می‌دهند و با چند برابر قیمت قرص‌ها را پیدا می‌کنند، قرص‌هایی که معلوم نیست چطور به دست سودجویانی رسیده که از مرگ مردم پول در می‌آورند.

روبه‌روی داروخانه سیزده آبان نه جای پارک ماشین پیدا می‌شود نه حتی یک موتور. مردم روی پله‌ها یا روی صندلی روبه روی در ورودی نشسته‌اند. بعضی سرگشته مسیر اطراف را قدم می‌زنند و تلفنی با دوست و آشنا تماس می‌گیرند تا شاید کسی جایی قرصی پیدا کند. یکی از آنها پسر جوانی است که معتقد است بدون پارتی به‌هیچ وجه قرص و دارو پیدا نمی‌شود. لباس سفیدش از فرط دودی که رویش نشسته به خاکستری متمایل شده است. وقتی می‌پرسم دنبال داروی کرونا هستید؟ سریع می‌پرسد فروشنده‌ای؟! بعد با لحن طنزی حرف می‌زند که نشان می‌دهد هنوز از پا نیفتاده است: «آنقدر ویدئوهای مزخرف دیده‌ام که دیگر می‌ترسم حرف بزنم.» از اسلامشهر آمده و چند روزی است به قول خودش داروخانه‌های شهریار و اسلامشهر و پرند را شخم زده است: «الان دارم زنگ می‌زنم تا رابطه‌ای پیدا کنیم، برای سه ورق قرص گیر افتاده‌ایم. بعد از چند روز فهمیدم اگر آشنا نداشته باشی دارو گیر نمی‌آید. از دیروز تا حالا دنبال آشنا هستم. الان دارم کل ایران را استعلام می‌گیرم ببینم پیدا می‌شود یا نه؟» خواهر و شوهر خواهرش به کرونا مبتلا شده‌اند و او مأمور پیدا کردن دارو شده است: «بالاخره فرجی می‌شود. فعلاً که هر دو دراز به دراز افتاده‌اند، توکل به خدا یا پیدا نمی‌کنیم و از دست می‌روند یا زنده می‌مانند؛ از این دو حالت خارج نیست.»

هرچند دقیقه صفیر آژیر آمبولانس و بعد صدای بوق ماشین‌ها و داد و بیداد موتورسواران عصبانی که لای ماشین‌ها گیر افتاده‌اند فضای پیاده رو را پر می‌کند اما انگار اینجا هوش و حواس کسی به اطراف نیست. همه تنها به صدای بلندگویی که نوبت را اعلام می‌کند توجه می‌کنند. مانند مردی میانسال که دستش را به درخت تکیه داده و چشم از داخل داروخانه بر نمی‌دارد. دنبال رمدسیویر برای مادر بیمارش آمده اما نگران فرزند ۱۴ ساله و همسرش هم است که در قرنطینه خانگی هستند: «مادرم بیمارستان خوابیده و ۳ یا ۴ روز است دنبال دارو هستم و پیدا نمی‌کنم. سرم هم گیر نمی‌آید. سرم ۲۰ هزار تومانی، بازار آزاد ۲۰۰ هزار تومان شده.»

شغلش رانندگی اسنپ است و خانه‌اش در میدان خراسان؛ ۲ روز است کار و زندگی را رها کرده و دنبال قرص و دارو و درمان مادر است، مادری که بیمارستان شهدای گمنام بستری است و حال مساعدی ندارد: «گفتند بروید ۲۹ فروردین یا هلال احمر اما آنها هم ندارند. بازار آزاد هم دانه‌ای یک میلیون و پانصد است که در مجموع بیشتر از ۷ میلیون می‌شود. واقعاً پولی ندارم که بخواهم خرج کنم. چند روز است کار هم نکرده‌ام و آخر ماه و اجاره هم نزدیک است. واقعاً در مانده‌ام چکار کنم. همسر و فرزندم ۱۰ روز است مبتلا شده‌اند و تا الان برای آنها دنبال دارو و دکتر بودم ،حالا هم که این طور. سیستم زندگی‌ام به هم ریخته.» می‌گوید سرم را تزریقات‌چی‌هایی که در فضای مجازی کار می‌کنند و برای تزریقات به خانه می‌آیند با قیمت ۲۰۰ تا ۲۵۰ هزار تومان همراه خودشان می‌آورند اما او قدرت مالی این میزان هزینه را ندارد: «آدم نمی‌داند از چه کسی کمک بخواهد. همه درگیر هستند،ولی اگر زودتر واکسن زده بودند آنقدر درگیر نمی‌شدیم. واقعاً سخت است از یک طرف نگران مریضی عزیزت باشی و از طرفی هم دارو پیدا نشود.»

> به دخترش زنگ می‌زند که در خانه بستری است و پشت گوشی می‌گوید یکی از دوستانش همین دارو را با قیمت ۲ و نیم میلیون پیدا کرده، دارویی که به گفته مرد در داروخانه ۷۵۰ هزار تومان است. گوشی را قطع می‌کند و می‌گوید شما جای من باشی چکار می‌کنی؟ از طرفی این پول زور است و از طرفی با خودم می‌گویم اگر تأخیر در پیدا کردن دارو، جان دخترم را بگیرد من خودم را چطور ببخشم؟

صدای بلندگوی داروخانه ۲۹ فروردین در کارگر جنوبی از چندصدمتری جوری به گوش می‌رسد که انگار پیاده روهای اطراف هم به مساحت داروخانه الصاق شده است. همه خیابان‌های اطراف پر از اتومبیل است و در هرکدام زنان و کودکان و پیرمردان منتظر نشسته‌اند و راننده هم به داروخانه رفته است. اینجا هم مردان و زنان در پیاده‌رو و پلکان و اطراف پراکنده هستند؛ مردی که سه ماسک روی هم زده سر از گوشی بر نمی‌دارد. می‌گوید در اپلیکیشنی که روی گوشی دارد نام دارو را می‌نویسد و اپلیکیشن داروخانه‌هایی که آن دارو را دارند معرفی می‌کند و حتی ساعت آخرین فروش دارو را هم می‌نویسد: «امروز از صبح افتاده‌ام دنبال فاویپیراویر. چهار پنج جا رفتم اما همه می‌گویند نداریم، درحالی که این اپلیکیشن می‌گوید مثلاً نیم ساعت پیش همان داروخانه آن دارو را فروخته است. سه جا رفتم طرف می‌گوید نداریم ، می‌گویم این سیستم می‌گوید دارید اما فروشنده می‌گوید یک ساعت پیش آخری را فروختم رفت. می‌گویند باید قبل از آمدن تماس می‌گرفتید اما من زنگ زده بودم و کسی پاسخگو نبود. امروز به یکی از اینها گفتم اگر دارو را دارید و نمی‌فروشید ان‌شاءالله این بلا سر خودتان و اقوام‌تان بیاید. لابد آزاد می‌فروشند و سود بیشتری می‌کنند، غیر از این که است.»

به دخترش زنگ می‌زند که در خانه بستری است و پشت گوشی می‌گوید یکی از دوستانش همین دارو را با قیمت ۲ و نیم میلیون پیدا کرده، دارویی که به گفته مرد در داروخانه ۷۵۰ هزار تومان است. گوشی را قطع می‌کند و می‌گوید: «شما جای من باشی چکار می‌کنی؟ از طرفی این پول زور است و از طرفی با خودم می‌گویم اگر تأخیر در پیدا کردن دارو جان دخترم را بگیرد من خودم را چطور ببخشم؟»

بلندگو نوبت هزار و صد و شصت وهفتم را اعلام می‌کند که به باجه دوم برود. فضای داخل داروخانه حسابی شلوغ است و مردم روی پله‌ها ایستاده‌اند. دو سرباز جلوی در نسخه‌ها را نگاه می‌کنند و به مردم می‌گویند ، بروند و فردا صبح ساعت ۸ بیایند و تأکید می‌کنند ساعت ۸ به‌صورت رسمی اما از چند ساعت قبل باید حاضر باشند و نوبت بگیرند و تا ظهر بایستند. مردی داخل کوچه به دیوار تکیه زده، ماسک را پایین آورده و پک‌های عمیقی به سیگار می‌زند. پدر و مادر و برادر کوچک‌ترش کرونای سختی گرفته‌اند. او حالا تنها مانده با نسخه‌ای در دست و غمی که دود می‌کند: «از بلوار فردوس آمده‌ام و همه جا را گشته‌ام اما هیچ جا رمدسیویر پیدا نکردم. حال خانواده‌ام بد است.» انگار سرش روی تن اش سنگینی می‌کند و طوری به سیگار پک می‌کند که صورتش در هم فرو می‌رود: «مثل همه این آدم‌ها نگران خانواده‌ام هستم .وقتی به مرگ آنها فکر می‌کنم همه تنم پر از استرس و نگرانی می‌شود.» از صراحت صدا و نگاه و احساسش دهانم تلخ می‌شود. هیچکس نمی‌خواهد بگوید همه این دربه دری و تلاش برای چیست؟ اضطرابی که حتی به زبان آوردنش هم آسان نیست.

جـــدول سـودوکو

ارقام ۱ تا ۹ را طوری در خانه‌های سفید قرار دهید که هر رقم در سطرها، ستون‌ها و مربع‌های کوچک ۳ در ۳ یکبار دیده شود

۳۷۳۵

آسان

			۴	۶		۷		۳
				۷	۵			۲
۶	۷		۱					
۵	۸		۳				۲	۷
		۹		۵		۴		
۳	۱				۴		۵	۸
					۶		۸	۹
۸			۷	۳				
۱		۶		۴	۸			

متوسط

					۶	۲		۵
	۶	۹		۵			۷	
				۳	۸			۹
۲						۷	۱	
۳								۲
	۸	۶						۴
۹			۱	۸				
	۵			۴		۸	۹	
۸		۴	۶					

سخت

	۷			۱		۴		
				۶				۸
۴							۶	۳
	۸				۱			
	۶	۵		۲		۷	۱	
			۹				۸	
۲	۵							۹
۳				۴				
		۹		۳			۵	

خیلی سخت

						۹		
۴		۹			۳			
۳	۱	۲			۹	۴		
	۶			۳	۴			
۲								۵
			۸	۹			۶	
		۸	۹			۵	۷	۲
			۷			۱		۶
		۱						

حل جدول سودوکو شماره ۳۷۳۴

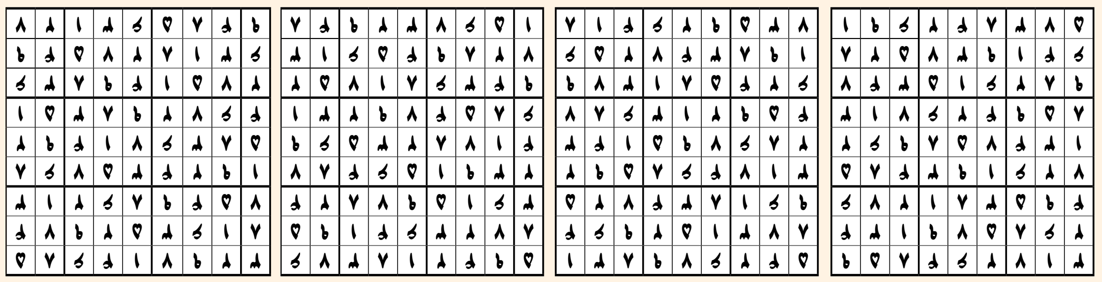
آسان
متوسط
سخت
خیلی سخت

یک جـدول با دو شـرح

جدول روزنامه *ایران* دارای دو «شرح عادی و ویژه» است. در صورت تمایل به حل دو شرح ابتدا یکی از شرح‌ها را با مداد حل کرده و سپس با پاک کردن جواب شرح اول، به حل شرح دوم بپردازید.

۷۷۰۴

جدول عادی

افقی:

۱-از شعرای سبک بازگشت که در سرودن غزل استاد بود-تلفظ حرف«ص»
۲-هنگامی که-محله-گل آپارتمانی
۳-تخت،اورنگ-معشوق-شکل هندسی
۴-تلفظ حرف«ل»-درخت انگور-آلمان هیتلری-ساختمان
۵-رود بزرگ-ترنم خوانی یا خوش خوانی به شیوه‌ای خاص و بااحساس-صید
۶-ازگیاهان دارویی-مارکی بر کامیون کشنده-سودای ناله
۷-مقاله پژوهشی درباره یک موضوع-مجازات متخلف-گرو
۸-فراوانی-محل اذان گفتن در مسجد-پشیمان
۹-اشاره نزدیک-جایزه ادبی-سازمان جهنمی قبل از انقلاب
۱۰-داخل صدف می‌توان یافت-متارکه-نشان کرده
۱۱-پیمودن-پست الکترونیکی-بوسیله
۱۲-اجزا-چیرگی-متضاد«ماده»-شهر«فردوسی»
۱۳-سازگاری-میان سر-نام هیتلر
۱۴-آشوب، مهلکه-فیلمی از «اسدالله نیک‌نژاد»(روی پرده سینما)-ریسیدن پنبه بادوک
۱۵-قسمتی از اوستا-سریالی به‌یاد ماندنی با حضور «شیلاخداداد»

عمودی:

۱-شهری در استان گیلان-این ورزشکار کشورمان ماه قبل در تیراندازی با تپانچه ۱۰ متر مردان المپیک مدال طلا گرفت
۲-بزرگ‌ترین پزشک جهان باستان-اصلاح کننده دو قوم-سازنده پای افزار
۳-کودک بی پدر-از مصالح ساختمانی-لطف و احسان
۴-لقب بزرگان قبیله‌ها-پول «کانادا»-علم پزشکی-به معنی بگو
۵-دریک محل کار می‌کنند-ساز لوله ای-به همان شکل و ترتیب
۶-فرود آمدن بلا-فرزند-تمرین
۷-قالی-قلاب سنگ-آواز خواب
۸-از تقسیمات زمان-سرین و کفل-کناره‌ها
۹-سوم شخص جمع-انهدام-گازگندزدا
۱۰-چای تلخ-وصف مکان بی خطر-کلمه اخطار و تنبیه
۱۱-قلب قرآن-جاه و جلال-زن گندمگون
۱۲-پهلوان-ضمیر غایب-فرود آینده-چاک،شکاف
۱۳-نوعی درخت-چراگاه-خوراکی که در سفر با خود بردارند
۱۴-دانه خوراکی پرندگان-هدیه فرستادن-بیانیه رسمی
۱۵-از مظاهر طبیعی و زیبای «قم» در دل کویر-آخرین ماه سال

جدول ویژه

افقی:

۱-ریاضیدان آلمانی و بنیانگذار «نظریه مجموعه‌ها»-حاصل سوخت ناقص
۲-محصول چتر-عینک نمی‌آموزد-نوع‌ها
۳-آنچه بر اثر پر شدن ظرفی بیرون بریزد-ساز پوستی-فراموشکار
۴-دیوار محکم-از اقوام ایرانی-کاغذ فروش-بیم
۵-پوز-شاهزاده ایرانی-پناهگاه
۶-پالایه-متحرک-مرگ از غصه
۷-لقب حضرت زهرا(س)-بسیار داغ-صدا
۸-بی آن فطیر است-زمین پرازریگ-تن پرور
۹-بازیگر چینی فیلم«تأسیس یک حزب»-سرپرست-از همزبانی بهتر است
۱۰-ویتامین آفتابی-فشار دکمه ماوس-عددی دو رقمی
۱۱-طبخ کننده-بدنام-نام«گواردیولا»
۱۲-معشوق-کشوری در شمال آفریقا-ده کوچکی در «امارات»-نارس
۱۳-چهره پرداز-ضد«فراز»-فراهم سازی
۱۴-همبستگی-خبره-مانندماه
۱۵-خزانه دولت مغول-فیلمی از«حاتمی کیا»

عمودی:

۱-پاره کردن-خواننده ایرانی موسیقی پاپ
۲-کمک کننده-سرباز نیروی دریایی-آبگیر کوچک
۳-باهوش-سازمان بین المللی توسعه کشاورزی-دانش ایجاد یک طرح یا نمایه از هر تصویر ذهنی یا واقعی
۴-غلام-مرآت-دهان-ضمیر چهارم
۵-سوره ۹۹-مخلوط بنایی-خرس آسمانی
۶-ذات-قطعه الکترونیکی-حمله ناگهانی بر دشمن هنگام شب
۷-ماه فوتبالی-مخوف-زنده کردن
۸-شاطر-اسم مصدر وزیدن-فراموشی
۹-چاره بینی-عمل جراحی زایمان-ورق
۱۰-موفق-فاضلاب-مادر محلی
۱۱-حرف معرفه-شاه شاهان-شکست در جنگ
۱۲-قند در لفظ محلی-پرچانگی-شهرنشینی-سرخورده و بور
۱۳-مایه نشاط و خرمی دل-مخفف اندوه-نوعی سبزی و گیاه
۱۴-فراخ-مضاعف-پاکدامن
۱۵-غذایی بسیار خوشمزه-مرتبه نردبان

	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱												■			
۲					■					■					
۳						■					■				
۴				■			■					■			
۵			■						■					■	
۶	■	■						■					■		
۷						■						■			
۸					■						■				
۹				■						■					
۱۰			■					■						■	■
۱۱		■					■						■		
۱۲				■					■			■			
۱۳					■					■					
۱۴						■					■				
۱۵				■											

حل جدول عادی شماره ۷۷۰۱

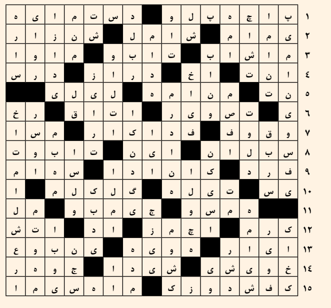

	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱	پ	ا	چ	ه	پ	ل	و	■	د	س	ت	م	ا	ی	ه
۲	ی	م	ا	م	■	ش	ا	م	ل	■	ش	ن	ز	ا	ر
۳	م	ا	ش	ا	ب	■	ت	ا	ب	و	■	م	ا	و	ا
۴	ا	ن	ت	■	ا	خ	■	د	ر	ا	ز	■	د	ر	س
۵	ن	ت	■	م	ن	ا	م	ه	■	ل	ی	ل	ی	■	■
۶	ی	■	ت	ص	و	ی	ر	■	ا	ت	ا	ق	■	ر	خ
۷	و	ق	و	ف	■	ف	د	ا	ک	ا	ر	■	م	س	ا
۸	س	ب	ل	ا	ن	■	ا	ی	ن	■	ت	ا	ب	و	ت
۹	ف	ر	د	■	ک	ا	ن	ا	د	ا	■	س	ه	ا	م
۱۰	ی	س	■	ت	ی	ل	ه	■	گ	ل	ک	ل	م	■	ا
۱۱	■	■	ه	م	س	و	■	چ	ی	م	ب	و	■	م	ل
۱۲	ک	ر	م	■	ا	چ	م	ز	■	ا	د	■	ا	ت	ش
۱۳	ا	ی	ا	ر	■	ه	و	ی	ه	■	ی	ن	ب	و	ع
۱۴	خ	و	ی	ش	ی	■	ش	ی	د	ا	■	چ	و	ه	ر
۱۵	ک	ف	ش	د	و	ز	ک	■	م	ا	ه	س	ی	م	ا

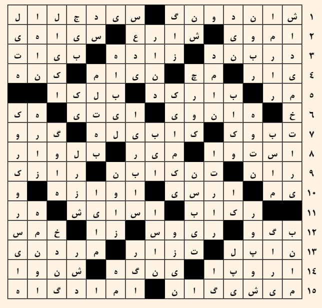حل جدول ویژه شماره ۷۷۰۱